

عجوزک و عیاران

قصه‌ای برگرفته از هزار و یک شب (شب‌های ۶۹۹ تا ۷۱۹)
ترجمه‌ی عبداللطیف طسوجی

گزینش و ویرایش
محمود دولت‌آبادی

www.ketab.ir



نیرجسته

عنوان قرارداد: الف ليله و ليله. فارسی. برگزیده
عنوان و نام پدیدآور: عجزوک و عیاران برگرفته از هزار و یک شب، شب ۶۹۹ تا ۷۱۹؛
ترجمه‌ی عبداللطیف طسوجی؛ گزینش، ویرایش محمود دولت‌آبادی

مشخصات نشر: تهران: نشر چشمه، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۸۶ ص

شابک: ۵-۰۹۱۰-۰۱-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر برگزیده‌ای از هزار و یک شب با ترجمه‌ی عبداللطیف طسوجی تیریزی است.

موضوع: ادبیات عربی -- ۳۳۴-۱۳۲ ق -- ترجمه‌شده به فارسی

موضوع: Arabic literature--750-945--Translations into Persian

موضوع: داستان‌های عربی

موضوع: Arabic fiction

موضوع: داستان‌های عاشقانه‌ی عربی

موضوع: Love stories, Arabic

موضوع: داستان‌های فارسی -- ترجمه‌شده از عربی

موضوع: Persian fiction--Translations from Arabic

شناسه‌ی افزوده: طسوجی تیریزی، عبداللطیف، قرن ۱۳ ق، مترجم

شناسه‌ی افزوده: دولت‌آبادی، محمود، ۱۳۱۹، گردآورنده، ویراستار

شناسه‌ی افزوده: Dowlatabadi, Mahmoud

شابک: ۸۹۲/۷۳۳۴-۰۱-۸۲۴-۰۱-۶۲۲-۹۷۸

شابک: ۸۹۲/۷۳۳۴-۰۱-۸۲۴-۰۱-۶۲۲-۹۷۸

شماره‌ی کتاب‌شناسی: ۸۴۹۱۳۶۴

اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیا

رده‌بندی نشر چشمه: ادبیات - داستان فارسی - متون منثور کهن

عجوزک و عیاران
- قصه‌ای برگرفته از هزار و یک شب - شب‌های ۶۹۹ تا ۷۱۹ -
محمود دولت‌آبادی

مدیر هنری: فواد فراهانی
همکاران آمادسازی: فرزانه صدیقی، زهرا بازیان شربانی
ناظر تولید: امیرحسین نخجوانی
لیتوگرافی: باختر
چاپ: نقش ایران
تیراژ: ۴۰۰۰ نسخه
چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰، تهران
ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۱-۰۹۱۰-۵

دفتر مرکزی نشر چشمه

تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰

کتابفروشی نشر چشمه‌ی کریم‌خان

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نیش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷. تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتابفروشی نشر چشمه‌ی کورش

تهران، بزرگراه ستاری شمال، پیش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴. تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۹

کتابفروشی نشر چشمه‌ی آرن

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، خیابان حافظ، پیش خیابان فخارمقدم، مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲. تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵

کتابفروشی نشر چشمه‌ی بابل

بابل، خیابان شریعتی، روبه‌روی شهرک بابل. تلفن: (۰۱۱) ۳۲۳۳۴۵۷۱

کتابفروشی نشر چشمه‌ی کارگر

تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی پنجم، پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۳۳۵۸۳

کتابفروشی نشر چشمه‌ی جم

تهران، نیاوران، جماران، مجتمع تجاری جم‌ستار، طبقه‌ی دوم، پلاک ۱۱. تلفن: ۲۶۴۵۰۸۷۲

کتابفروشی نشر چشمه‌ی دلشدگان

مشهد، بلوار وکیل‌آباد، بین وکیل‌آباد هجده و بیست (بین هفت‌تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶. تلفن: (۰۵۱) ۳۸۶۷۸۵۸۷

کتابفروشی نشر چشمه‌ی رشت

رشت، خیابان معلم، میدان سرگل، ابتدای کوچه‌ی هفدهم. تلفن: (۰۹۰) ۲۱۴۹۸۴۸۹

کتابفروشی نشر چشمه‌ی البرز

کرج، عظیمیه، بلوار شریعتی، مرکز تجاری فرهنگی مهرادمال، طبقه‌ی پنجم. تلفن: (۰۲۶) ۳۵۷۷۷۵۰۱

تلفن بخش کتاب چشمه: ۷۷۷ ۸۸ ۵۰۲

www.cheshmeh.ir
cheshmehpublication

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.
هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

مقدمه

هزار و یک شب، افزون بر خاصیت پیوستاری قصه‌ها و هدف از قصه‌گویی که به منزله‌ی رهایی از مرگ و نجات زن و زیبایی و نگریستن به زندگی ساخته و پرداخته شده است، یک ویژگی برجسته‌اش هم این کتاب را منحصر به خودش کرده است و آن دست بردن‌های نامتدو در هزار و یک شب است. هم‌زمان با نشر این قصه‌ی خیال‌انگیز، قصه‌ای هندی به ترجمه‌ی زنده‌یاد محمدرضا دیمیاد و فرزند ایشان به نشر سپرده شده با نام سپیده‌دم و نشان می‌دهد بی و پایه‌ی هزار و یک شب هندی است و در قرون بسیار پیش و پیش‌تر از خلیفه‌گری اعراب خلق شده است. در اختلاط داستان‌های موسوم به هزار افسان هم با هزار و یک شب سخن رفته است به خامه‌ی اهل تحقیق،^۱ اخیراً نیز خبر از مجموعه‌ای شنیده‌ام به نام صد و یک شب در لسان عربی تونسسی که به نقل مترجم آن، آقای امیرحسین الهیاری، در دست ترجمه است؛ مجموعه‌ای از گونه‌ای هزار و یک شب که نقل‌هایی است از دوره‌ی امویان و چون کار به دست عباسیان افتاده آن چندان قصه از متن کتاب برداشته شده است. حالا خود بسنجید آن که با عمو - خالوزاده‌ها چنان کند با

۱. دایرةالمعارف ایرانیکا، ذیل «هزار و یک شب»، نوشته‌ی ش. بلا، ترجمه‌ی فرزانه طاهری؛ مقدمه‌ی هزار و یک شب، جلال ستاری؛ مقدمه‌ی محمدرضا مرعشی‌پور با ارجاعات در آن.

دیگران چه‌ها کند! البته خلیفه در همه‌ی قصه‌های مربوطه، از جمله همین قصه، خوش‌رو، بزرگوار و بخشنده است!

باری، نکته‌ی قابل تأمل دیگر در این کتاب که اخوان‌العرب درست متعلق به خود دانسته‌اند نگاه زشت نژادی است وقتی پای شخصیت (پرسوناژ)‌های ایرانی-عبری در حکایاتی باز می‌شود، از جمله در همین حکایت عجوزک و عیاران که چون از ایرانیان یاد می‌شود ایشان «عجم» - یعنی گنگ - نامیده می‌شوند و چون از عبریان بیاورد، ایشان هم بار منفی به خود می‌گیرند! در یکی از قصه‌ها مردی پارسی یک اسب پرنده اختراع می‌کند که یکی از شروط پادشاهی است در این‌که دختر خود را - مثلاً - با چنان شرطی به آن مرد به زناشویی خواهد داد. اما وقتی مرد سازنده‌ی اسب پرنده به درگاه می‌رسد، تصویری چنان زشت و نکبت از وی ترسیم می‌شود که من و شما هم نمی‌خواهیم چنان تصویری را به ذهن خود راه بدهیم. در حکایتی دیگر باز رگانی پارسی (عجم!) کارش فریب دادن و ربودن جوانان خام بغداد است برای بردن ایشان به جستن الماس و... طبعاً نابودی ایشان که مشروح آن در خود کتاب باید خوانده شود.

در قصه‌ی پیش رو که با اندکی ویرایش به نشر شده است، اگر جایی از جوانان عجم نام برده شده، به جوانان پارس یا خراسان تغییر یافته و یک جای هم خشونت و سر بریدن زرگر یهودی جادوگر تغییر یافته و به بریدن گوش او بسنده شد به نشانه‌ی این‌که سحر و افسونگری آن زرگر باطل شده است.

گزینش این قصه هم از آن‌رو به نظرم خوشایند آمد که ناظر است به پدیده‌ی عیاری (ای یاری!) که در فرهنگ شرق، از آن جمله در فرهنگ ما ایرانیان، جایی برای خود داشته است که البته به تدریج ضایع و باطل شده و ادامه‌اش را به صورتی ناخوشایند در جامعه‌ی خود، خاصه پس از آغاز شهرنشینی جدید، داشته‌ایم که پرداختن به آن مهم پیشه‌ی دانشوران رشته‌های جامعه‌شناسی - مردم‌شناسی

و چنان مقولاتی است که متأسفانه به صورت جدی همچون معضلی تاریخی - اجتماعی به آن پرداخته نشده یا شده و من غافل مانده‌ام، و جای چنین پژوهش مهم و ضروری‌ای امیدوارم خالی نمانده باشد و خالی نماند با وجود عرصه‌های برآمدن ایشان با روحیات و رفتار و کردار خاص در دوره‌های مختلف از تاریخ معاصر ایران.

بدیهی است قصه‌های هزار و یک شب هنجارهای هزار و یک‌شبی دارد و تا حدودی که به اصالت و کیفیت اثر آسیب نرسد ویراسته شده است. اما آنچه در قصه‌های هزار و یک شب مهم است همانا اصل و ذات روایتگری است که ذهن و خیال خواننده را جذب خود می‌کند که یعنی بیا همراه خیال‌پردازی‌هایم با من هم‌سفر شو: خاصه با نثر زیبای زنده‌یاد عبداللطیف طسوجی^۱ که از ساخت و بافت عبارات و به کار بستن واژه‌هایی خاص می‌برد که از خراسان باشد، و این دریافت بی‌هیچ نشانه‌ای آوردم که بیزارم از تعصبات و داده‌های ناخوشایند آن. زیرا باور دارم که زبان فارسی فرایند زبان و گویش‌های همگی مردمان و اقوام ایرانی است؛ و چنین باد.

محمود دولت‌آبادی

هشتم آبان‌ماه ۱۴۰۰، تهران

۱. عبداللطیف طسوجی، تاریخ ترجمه ۱۲۶۱ ق، تبریز.